

# خاطرات

## میرزا علی خان امین الدوله

○ کوروش صالحی



- خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله
- به کوشش: حافظ فرمانفرمایان
- زیر نظر: ایرج افشار
- ناشر: امیرکبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰

عبرت گنهکار از درست کردار بشناسیم و خطا را از صواب جدا کنیم، درد بدانیم و درمان به دست آوریم...»<sup>۱</sup>

در نتیجه پی می‌بریم که امین الدوله در پی چاره‌جویی وقایع و یافتن عوامل و علل ضعف کشور بوده و می‌دانسته که امور در ضمن یکی - دو سال به سامان نخواهد شد. به نظر او، ملک ایران اگر چه به نسبت وسعت اراضی خود کم آب و از این رو آبادی اقطاع و اقطاعش از یکدیگر منفصل... لکن استعدادات طبیعی و لیاقت غالب امکان به درجه‌ای است که می‌توان این مملکت را به حد خود دارای ثروت و تمول نمود.<sup>۲</sup>

امین الدوله نسبت به سلطنت و چگونگی عملکرد آن حساسیت بسیاری داشته، یادآور می‌شود اگر شاه مملکت، فردی مدیر و مدبر باشد می‌تواند کشوری قدرتمند و مستقل بسازد و اگر سست عنصر و بی‌اراده باشد (چونان سلطان حسین که سبب استیلای افغان بر اصفهان گردید) این ضعف و بی‌ارادگی در مدیریت وی نیز اثر می‌گذارد: «در تمام خط سیر معدودی افغان ممکن بود که مردم، آنها را با سنگ و چوب دفع دهند، بی‌معارفه دلیل و مطیع دشمن شدند و در پایتخت دولت با کثرت نفوس و فراهم بودن شرایط دفاع بی‌زحمت خود را به خصم تسلیم نمودند چرا که در سایه دولت سلطان حسین هنر ایرانیان جز این

در سال ۱۳۱۴ ه. ق. با افول ستاره اقبال امین‌السلطان، مظفرالدین شاه، مقام صدراعظمی را به امین الدوله سپرد. دوره دو سالهٔ صدارت او چندان موفقیت‌آمیز نبود و به دلیل ناتوانی در اخذ وام مجبور به استعفا گردید.

او سرانجام در سال ۱۳۲۲ قمری و در ۶۲ سالگی در لشت‌نشا درگذشت.<sup>۱</sup> مورخین امین الدوله را به اشتباه با امین‌السلطان مقایسه کرده و او را شخصیتی منورالفکر فرض کرده‌اند که این امر چندان با واقعیت هماهنگ نیست.<sup>۲</sup>

او از رجال برکشیدهٔ دستگاه سلطنت و در پی سامان دادن به اوضاع پادشاهی بود. چنانکه خود می‌نویسد: «من از معتقدین قدرت و قوت دولت و بلند نامی و شوکت پادشاهم که امور منظم و اوامر نافذ باشد».<sup>۳</sup> یا در جایی دیگر می‌آورد: «مرگ نوکرهای بزرگ و شاهزادگان بزرگوار نیز دایرهٔ دولت را خالی و اطراف شاه را بایر می‌ساخت».<sup>۴</sup>

کتاب **خاطرات سیاسی امین الدوله** شرح حالی است به قلم خود وی که با گذری کوتاه بر اوضاع ایران در آستانه ظهور قاجاریه شروع و با ماجرای کشته‌شدن امین‌السلطان در زمان سلطنت محمدعلی شاه، پایان می‌یابد. این کتاب از لحاظ تاریخی و به ویژه چگونگی عملکرد ارکان سیاسی کشور حائز اهمیت بسیار است. امین الدوله درباره علت تألیف کتاب می‌نویسد: «بیان اجمالی از احوال و ظن عزیز و ماجرای عصر است...» تا به دیدهٔ

میرزا علی خان امین الدوله، به سال ۱۲۶۰ هجری قمری در تهران متولد شد. پدرش حاج میرزا محمد خان سینگی یا لواسانی، خواهرزادهٔ میرزا آقاخان نوری بود. امین الدوله در خانواده‌ای اشرافی و منورالفکر رشد یافت و از طریق پدر با تشکیلات حکومت ناصری آشنا و مرتبط گردید. سفر به عثمانی به همراه پدر (۱۲۷۵ ه. ق) وی را با ترقیات جدید آشنا ساخت و بعد از ورود به ایران از مقربان رکاب شاه گردید. به سال ۱۲۷۹ ه. ق. نایب اول وزارت خارجه شد و کمی بعد منشی حضور شاه گردید. در اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ در مقام منشی، همراه شاه بود ولی سعایت رجال او را از مرز آلمان به ایران برگردانید. تب اصلاحات ناصری، باعث جابه‌جایی در مناصب گردید و امین الدوله به ریاست وزارت رسائل و عضویت در مجلس دارالشورای دولتی نایل آمد، در سال ۱۲۹۳ ه. ق. شاه، او را که در آن زمان ملقب به امین‌الملک بود، به مدیریت مجلس شورای دولتی برگزید و یک سال بعد مأمور تصدی امور ضرابخانهٔ دولتی شد. به سال ۱۲۹۷ (پس از مرگ پدر)، مقام وزارت و وظایف به اضافه وزارت اوقاف و ریاست اداره کل پست و مدیریت دارالشورای دولتی را به امین الدوله سپردند و از این زمان، لقب امین الدوله به وی اعطا گردید رقابت سخت او با امین‌السلطان (علی اصغر خان)، وی را از تکیه بر کرسی صدارت در عهد ناصری محروم ساخت.

نمی‌توانست بود.»<sup>۷</sup>

کتاب خاطرات امین‌الدوله با مبحثی پیرامون روانشناسی عمومی ایرانیان و ذکر سقوط صفویه و حرکت نادر به جهت اثبات فرضیه کارآمد بودن شاهان آغاز می‌گردد و گذری کوتاه بر ظهور دولت قاجار به دست محمدخان قاجار آغاز شده و نویسنده با کمال بی‌طرفی قضاوت می‌کند که آقا محمدخان، خوی صحرانشین داشته و علت موفقیت وی، این بوده که از مرکز (یعنی شیراز، مرکز حکومت زندیه) شروع کرده است. امین‌الدوله درباره ساده و بی‌سواد بودن مؤسس حکومت قاجار بیان می‌دارد: البته از چنین دستگاه بی‌سواد و بی‌اطلاع از تاریخ، بی‌خبر از اوضاع دول نبایستی انتظار داشت که تأسیس اسبابی در رفاه مملکت و اصلاح احوال اهالی نمایند...» وی درباره سلطنت فتحعلی شاه می‌نویسد «جمال و جلال سلطنت به خودآرایی و برگ و ساز جواهر منحصر شد...» و درباره محمدشاه می‌نویسد: اگر چه دیندار و پارسا و از لوث معاصی پاک و از خط و قلم حظ و بهره‌ای داشت و از امور احوال دول شعاع اطلاع به ساخت خاطرش تافته جامع ضدین شد و...»<sup>۸</sup>

درباره ناصرالدین شاه بیش از حد غلو نموده، سعی دارد از وی قهرمانی بسازد.<sup>۹</sup> قهرمان داستان را به پای آقای ابراهیم آبدارباشی می‌بندد انگار که استبداد اصلاً صفات منفی ندارد!!! اصولاً کسانی که برای مردم ارزش و اهمیتی قائل نیستند سعی در آرامش و بهتر زندگی کردن خود دارند.<sup>۱۰</sup> ناصرالدین هم چنین کسی بود.

امین‌الدوله، صحبت از آرامی<sup>۱۱</sup> می‌کند اما باید گفت چه نوع آرامی، سکوت با سرنیزه! آرامشی که منطبق آن، من برای دیگران نیستم بلکه دیگران برای من هستند، استوار است. یکی از معایب رژیم‌های سیاسی ایران که امین‌الدوله به آن اشاره کرده پرداختن صرف به پایتخت است: «چند ماهی بر این نسق گذشت و قسمت عمده حواس شاه و اولیای دولت به تدبیر جمع‌آوری غلات و تدارک آذوقه شهر تهران مصروف بود چرا که قصور ارتفاع و کمبود مزروع در سراسر مملکت، وقوع یوم یغاث‌الناس و قحط سال عمومی را محقق می‌کرد\*، به جای آنکه حساب کنند و حکام و کارگزاران هر ناحیه به ترتیب رفاه رعایا و اهالی آن محل مشغول و مسئول باشند از همه سمت آنچه مقدور باشد به تهران جلب و حمل می‌نمودند.»<sup>۱۲</sup>

امین‌الدوله در ماجرای امتیاز رویتر حتی‌الامکان سعی دارد شاه را بی‌گناه جلوه دهد و بیشتر، اشخاص پایین دست را مورد اتهام قرار می‌دهد. «چون به هوسناکی از پی بعضی امارد خلوت پادشاهی و دیگر اعیان زادگاه برخاست عظم و هیبتش از نظرها رفت. با این همه شاه را نشاط سفر فرنگ در سر بود و از عالم بی‌خبر

می‌زیست...»<sup>۱۳</sup>

امین‌الدوله به ارائه تصویری زیرکانه و ظریف از روحیات ناصرالدین شاه در مواجهه با تمدن جدید غرب، می‌پردازد: «قصه را کوتاه کنیم که به شاه در مسافرت فرنگ خوش نگذشت چرا که برخلاف عادت، یک عمر بایستی تابع باشد و مطیع. حرکات و سکنات اختیاری نبود، جلال و عظمت دستگاه دول بر پادشاه گرانی می‌کرد...»<sup>۱۴</sup>

و در جای دیگر با شوخی و طنز، ایرانیان آن روز را معرفی می‌کند: «... به این شوخی به سلامت جست و شاه درجه نفاق و شقاق مردم ایران را شناخته در معاملات همه را به یکدیگر مدعی و مخالف می‌کرد و با ضعف و تردیدی که در مزاج شاه راه یافته بود به علم یقین دانست که این قوم صاحب رأی و منشأ اثری نیستند در کار علما و پیشوایان مذهبی نیز که دخیل این کار شده به کفر و زندقه حاجی میرزا حسین خان (سپهسالار) سجلات نوشته بودند، استادانه رفتار کرد. هیچ از این مبحث به آنها گفت‌وگو نکرده که در عقد خارج ذهنی ملتفت شوند به چنین امور دخالت کردن از حد و حق آنها بیرون بوده است.»<sup>۱۵</sup>

اندیشه‌های به روز و مترقی امین‌الدوله، «خلاف حکم سلطان رأی جستن و به خون خویش دست شستن بوده است.»<sup>۱۶</sup>

امین‌الدوله درباره تحول در ساختار سیاسی - اداری قاجار می‌نویسد: «یک بدبختی به مملکت رو کرد که نوکرهای قدیم دولت تدریجاً می‌مردند و به جای آنها کسی تربیت نمی‌یافت که دستگاه خالی نماند و شاه را اعتقاد نو، به راه غلط انداخته بود که اثر در حکم پادشاه است اگر خدمات را به اشخاص پست کوچک هم محول کنند، پیش خواهد رفت.»<sup>۱۷</sup>

نمایشی بودن اقدامات ناصرالدین شاه درباره قشون از این گفتار امین‌الدوله مشخص است: «لباس نظامی اتریش که بدتر و زشت‌تر از لباس قشونی هر قوم است برای سرباز و صاحب منصب ایرانی دوخته و مبلغ گزاف به این تفنن و هوس صرف شد و بالاخره مجبور شدند دوباره افواج مزبور را به سیرت اولی برگردانند.»<sup>۱۸</sup>

امین‌الدوله نکاتی را درباره تحمل‌پذیری و صبر بیش از حد مردم ایران بیان می‌دارد: «از سکوت و صبر و تحمل و بردباری ایرانیان بیشتر تعجب باید کرد که این دستگاه شعوه (پلیس) در تهران باز بود، مال مردم به سرقت می‌رفت و شاید بیشتر آن در دایره پلیس حمل و هضم می‌شد. مردم را به بهانه‌جویی می‌گرفتند و جزای نقدیه از عواید مشروعه بود. محترمین را به غیر حق متعرض می‌شدند و دادرس نداشتند. زن‌های مسلمان را به محبس پلیس می‌کشیدند در زجر و شکنجه جان‌ها تلف می‌گردیدند نه از طرف دولت

پرسش بودند، نه علمای اعلام نهی از منکر می‌کردند، نه مردم به صدا می‌آمدند.»<sup>۱۹</sup> «مردم ایران در یک خواب سنگین مظاهر عجیب و نقش‌های مهیب می‌دیدند، اخلاط عفنه که مورث چنین کابوس بود نفس ایران را تنگ و بدن مملکت را رنجور و عرق اضطراب را جاری می‌کرد و از بدن‌های نیم جان آوازهای هولناک برمی‌خاست بی‌آنکه در اجساد حرکتی دیده شود.»<sup>۲۰</sup>

امین‌الدوله درباره چگونگی پیشرفت امین‌السلطان، پدر علی اصغر خان اتابک در دربار ناصری می‌نویسد: «از دوسفر که با شاه به فرنگستان رفت به تحقیقات عوامانه خود دو لفظ افزود. ملتی و تجارتنی را در سیاحت کلام مکرر می‌کرد و در صرفه و غبطه دولت و ترقی و اصلاح امور مملکت جانسوزانه می‌نالید. و در ادامه این حریف محافظه کار سخت پنجه را به سادگی و بی‌سوادی متهم می‌کند...»<sup>۲۱</sup>

باز هم امین‌الدوله، قهرمان داستان را از بعضی مسائل (تلویحاً) کنار می‌کشد. در داستان زبیده خانم گروسی و برادرزاده ملیجک و گربه بازی‌های شاه، آن دو را مسبب غفلت سلطان از امور سلطنتی می‌داند.<sup>۲۲</sup>

امین‌الدوله به تاکتیک ناصری برای اداره کشور اشاره کرده و می‌نویسد: «باز شاه گاهگاه به خیالات تازه، مردم و ارکان دربار را سرگرم و به یک حرف و طرح تازه مشغول می‌کرد.»<sup>۲۳</sup>

«شاه را پیوسته خیال اصلاح امور و تنظیم کارهای مملکت، هیچانی می‌داد و به این تکلیف مهم توجهی می‌فرمود اما همیشه عزم و اراده شاه بی‌نتیجه و احکام صادره بی‌اثر می‌ماند زیرا که شاه خودعلم و اطلاعی از قواعد سیاسی نداشت و برحسب عادت و طبیعت به جزئیات می‌پرداخت.»<sup>۲۴</sup>

امین‌الدوله درباره توان حکومت مرکزی می‌نویسد: «می‌بینم دولت انگلیس از مرکز حکمرانی خود که لندن است می‌خواهد در دماغه امید یا اقصی نقاط هند تغییری دهد... به مجرد صدور حکم در مقصد اجرا شده این علامت را به حیات و صحت آن دولت دلیل می‌گیریم. اما اوامر همایونی را که نمی‌گذارند از عمارت سلطنتی خارج شود.»<sup>۲۵</sup>

او در جای دیگر به رونق بازار جادوگری در تهران اشاره کرده و قسمتی از ذهنیت توده‌های ایرانی را معرفی می‌نماید.<sup>۲۶</sup>

امین‌الدوله به شیوایی به بیان مطالبی درباره مخالفت‌های علنی علیه دولت در ماجرای تنباکو پرداخته و در متن، سید جمال‌الدین و فال اسیری را در مقابله با رژی عامل عمده کنش و واکنش بین دولت و مردم می‌داند.

ارزش سیاسی - اجتماعی کتاب در این است

که نویسندگان واقیعت‌های تلخ زندگی اجتماعی ایرانیان را عریان کرده و به وضوح نشان داده است. مسائلی چون تعدی و تعرض قاطرجیان، مباشران، الواط و مقربین سلطان به مردم بیچاره و بی‌پناه که حق هیچ‌گونه اعتراض و شکایت نداشتند، در این کتاب به خوبی بیان شده است.<sup>۳۹</sup>

امین‌الدوله مسائل اقتصادی را هم بررسی کرده و پرده از چهره بعضی رجال صاحب نام برمی‌دارد به عنوان مثال در مبحث پول بدون پشتوانه به اعتراض شدید اعتمادالسلطنه نسبت به حاج امین‌الضرب اشاره کرده، بیان می‌دارد: «آنچه طلا و نقره در جیب و بغل و صندوق‌های مقفل مردم بود به ترویج این پول دغل ربودی و به فروش زری بدل، اطلس مهمل، تقلبات دیگر ایرانی‌ها را گدا کردی»<sup>۴۰</sup>. و به این وسیله پرده از روی شخصیت چند رنگ حاج امین‌الضرب برمی‌دارد و نشانگر این مسأله می‌شود که امین‌الضرب آن قدرها هم بی‌خطا نبوده است.<sup>۴۱</sup>

امین‌الدوله به ماجرای قتل ناصرالدین شاه و سلطنت ضعیف مظفرالدین شاه پرداخته و مسائل مربوط به دوران صدارت خود را به شیوایی بیان می‌دارد. کنار نیامدن با مراکز متعدد قدرت خصوصاً علما که با امین‌السلطان سر و سری داشتند را از جمله دلایل عدم توفیق خود می‌داند.<sup>۴۲</sup> و به صراحت کامل بیان می‌دارد که مظفرالدین شاه، از مملکت‌داری بی‌خبر است.<sup>۴۳</sup>

کتاب خاطرات سیاسی امین‌الدوله، به چند دلیل، یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ قاجار به شمار می‌رود:

- ۱- نگارنده کتاب، یکی از عوامل رده بالای دستگاه قاجار است.
- ۲- صراحت بیان و رعایت امانت نویسنده (به رغم پست و مقام دولتی‌اش) سبب شده تا اثر او، از مأخذ بسیار خوبی برای پی بردن به علل ضعف و ناتوانی قاجار و مشکلات کوچک و بزرگ جامعه آن روزگار قلمداد شود.

#### پی‌نوشت‌ها:

\* اشاره به قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ هـ. ق است که همه جا را فراگرفت و قیمت نان رشد بسیاری داشت. ۱. ر.ک. به: معیرالممالک، دوست علی خان، رجال عصر ناصری، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۱، صفحات ۶۷ الی ۷۱. میرزا علی خان امین‌الدوله، خاطرات سیاسی به کوشش حافظ فرمانفرمایان، زیر نظر ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰، مقدمه صص سیزده و چهارده. افضل الملک، میرزا غلامحسین: افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه، نشر تاریخ ایران، چاپ اول،

## مورخین امین‌الدوله را به اشتباه با امین‌السلطان مقایسه کرده و او را شخصیتی منورالفکر فرض کرده‌اند که این امر چندان با واقیعت هماهنگ نیست

### امین‌الدوله از رجال برکشیده دستگاه سلطنت و در پی سامان دادن به اوضاع پادشاهی بود

### کتاب خاطرات سیاسی امین‌الدوله، شرح حالی است به قلم وی که با گذری کوتاه بر اوضاع ایران در آستانه ظهور قاجاریه شروع و با ماجرای کشته شدن امین‌السلطان در زمان سلطنت محمدعلی شاه، پایان می‌یابد

- ۱۳۶۷، ص ۲۳۷. ۲۰. همان، ص ۵۶.  
 ۲۱. همان، ص ۵۶.  
 ۲۲. همان، ص ۱۶۴.  
 ۲۳. همان، ص ۶۰ و برای اطلاع از وضعیت امین‌السلطان در جامعه قاجار ر.ک. به تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه، خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، تهران ۱۳۶۱، ص ۴۷.  
 ۲۴. خاطرات سیاسی امین‌الدوله، ص ۷۸.  
 ۲۵. همان، ص ۸۶.  
 ۲۶. همان، ص ۸۶ + تاج السلطنه، خاطرات صص ۱۷ و ۱۶ + مستوفی، عبدالله: شرح زندگانی من. انتشارات کتابفروشی علمی، چاپ اول، ۱۳۲۴، ج ۱، ص ۶۶۸.  
 ۲۷. خاطرات سیاسی امین‌الدوله، ص ۱۱۰.  
 ۲۸. همان، ص ۱۲۵.  
 ۲۹. همان، صص ۱۸۵ و ۱۸۴.  
 ۳۰. همان، ص ۱۸۶.  
 ۳۱. همان، ص ۱۹۰.  
 ۳۲. همان، ص ۲۲۶ و ص ۲۳۱ و ص ۲۴۳. و برای اطلاع بیشتر ر.ک. به خاطرات و اسناد نظام السلطنه مافی، ج ۱، ص ۲۴۳.  
 ۳۳. خاطرات سیاسی امین‌الدوله، ص ۲۵۳، و برای اطلاع بیشتر ر.ک. به محمدعلی غفاری: خاطرات و اسناد محمدعلی غفاری نایب اول پیشخدمت‌باشی، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، تهران ۱۳۶۱، صص ۱۳۸ و ۱۳۷.  
 ۳۴. مورخین، میرزا عبدالحسین خان: مرآت الوقایع مظفری، به تصحیح عبدالحسین نوایی، انتشارات زرین چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱۵۸.  
 ۳۵. مافی، نظام‌السلطنه: خاطرات و اسناد، به کوشش منصوره اتحادیه و معصومه مافی، نشر تاریخ ایران چاپ دوم، تهران ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۵۴.  
 ۳۶. محسن: خاطرات صدرالاشرف، انتشارات توحید، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۹۳.  
 ۳۷. خاطرات سیاسی امین‌الدوله، ص ۱۱۰.  
 ۳۸. همان، ص ۱۱۱.  
 ۳۹. همان، ص ۳.  
 ۴۰. همان، ص ۴.  
 ۴۱. همان، ص ۴.  
 ۴۲. همان، ص ۵.  
 ۴۳. همان، ص ۵.  
 ۴۴. همان، ص ۷.  
 ۴۵. ر.ک. به ص ۱۰، ۱۴، ۱۵ خاطرات سیاسی امین‌الدوله، تحت عنوان سیمای ناصرالدین شاه.  
 ۴۶. ر.ک. به موقن، یدالله: تاریخچه مفهوم استبداد شرقی، فصلنامه نگاه نو، بهمن ۱۳۷۳، ص ۸۹.  
 ۴۷. خاطرات سیاسی امین‌الدوله، ص ۲۶.  
 ۴۸. همان، ص ۲۹.  
 ۴۹. همان، ص ۳۶.  
 ۵۰. همان، ص ۴۰.  
 ۵۱. همان، ص ۴۳.  
 ۵۲. همان، ص ۴۵.  
 ۵۳. همان، صص ۴۷ و ۴۸.